

« رویه های متضاد شعب دیوان کشور »

با آنکه بموجب قانون وحدت رویه قضائی مصوب تیر ماه ۱۳۲۸ میبایستی نسبت به کلیه آراء متضاد شعب دیوان عالی کشور رویه واحدی اتخاذ شده باشد، مع هذا هنوز هم آراء متضاد متعددی وجود دارد که هیئت مزبور نسبت بآنها اتخاذ تصمیم ننموده است و مقتضی میباشد که هیأت عمومی دیوان عالی کشور نسبت باین موارد که ذیلا درج میشود رویه واحدی را اتخاذ فرمایند :

۱ - آیا شکستن قفل و در برای ورود بخانه غیر بقصد دزدی تخریب محسوب است و بایستی ماده ۲ ملحقه در باره متهم رعایت شود یا اینکه مقدمه جرم سرقت بوده و متهم فقط مستحق کیفر سرقت است ؟

در این مورد بین شعب ۶ و ۵ دیوان کشور دو نظر مختلف وجود دارد بشرح زیر:
شعبه ۶ اظهار نظر کرده است که : « صرف شکستن قفل و ورود بخانه غیر برای دزدی از مقدمات قریبه و شروع بسرقت محسوب میشود و شکستن قفل مستلزم مجازات ماده ۲۵۷ قانون مجازات عمومی است که با رعایت ماده ۴ ملحقه باید در باره متهم اعمال شود » (دادنامه شماره $\frac{۱۴۳۸}{۲۱/۵/۲۲}$ شعبه ۶ مندرج در صفحه ۱۴۱ کتاب قانون کیفر همگانی و آراء دیوان کشور).
ولی نظر شعبه ۵ در این مورد آنست که :

« اگر سارق باشکستن در دکان موفق بسرقت شود چون شکستن در بمنظور سرقت بوده لذا تخریب مقدمه سرقت محسوب و متهم فقط مستحق کیفر سرقت است » (دادنامه شماره $\frac{۹۴۹/۲۱۵۵}{۱۶/۴/۳}$ مندرج در صفحه ۱۳۷ کتاب فوق الذکر)
۲ - اگر بمأمور دولت در حین انجام وظیفه هم اهانت شده باشد وهم ایراد ضرب آیا یک جرم تلقی میشود یا دو جرم ؟
دادنامه شمار ۷۱ مورخه ۱۳۱۹/۱/۵ میگوید :

« اگر بمأمور دولت در حین انجام وظیفه هم اهانت شده باشد وهم ایراد ضرب نبایستی هر دو را بزه واحدی تشخیص داد و باعتبار وحدت بزه یک مجازات در باره مرتکب قائل شد والا حکم نقض میشود » (مندرج در صفحه ۶۸ کتاب اصول قضائی (جزائی) دیوان عالی کشور چاپ دوم) .

ولی حکم شماره ۳۹۶ مورخه ۱۳۱۹/۱/۱۸ میگوید :

رویه‌های متضاد شعب دیوان کشور

« توهین بواسطه ایراد ضرب يك جرم تلقی میشود » (مندرج در صفحه ۸۱ کتاب اصول قضائی (جزائی) چاپ دوم).

۳ - مبدأ مرور زمان در جرم افترا از چه زمانی است ؟
شعبه ۸ میگوید :

« مبدأ مرور زمان در جرم افترا از تاریخ تحقق بی اساس بودن
دعوای مفتری است » (دادنامه شماره $\frac{۲۲۹۹}{۲۹/۹/۱۱}$ مندرج در صفحه ۳۱۴ مجموعه رویه
قضائی قسمت کیفری)

ولی شعبه ۲ میگوید :

« مبدأ مرور زمان جرم افترا از تاریخ نسبت دادن اتهام بشاکی
شروع میشود نه از تاریخ تبرئه او » (دادنامه شماره $\frac{۲۸}{۱۸/۱/۱۸}$ مندرج در صفحه
۳۱۷ مجموعه فوق الذکر).

۴ - مرور زمان در جرم ثبت ملک غیر از چه روزی شروع میشود ؟ از تاریخ
انقضاء مدت اعتراض یا از تاریخ ثبت ملک در دفتر املاک ؟
شعبه ۵ چنین اظهار نظر میکند :

« تقاضای ثبت ملک غیر جرمی است مستمر و مادام که بواسطه
انقضاء مدت اعتراض ثبت ملک بنام تقاضا کننده قطعی نشده است شخص
تقاضا کننده در تقاضای خود باقی میباشد و حساب مرور زمان از روزی
خواهد بود که تقاضا منقطع شود » (دادنامه شماره $\frac{۵۵}{۱۹/۱/۱۵}$ شعبه ۵ مندرج
در صفحه ۱۱۲ کتاب مجموعه رویه قضائی - قسمت کیفری).

و اما شعبه ۲ و همچنین مجدداً همان شعبه ۵ اظهار نظر کرده اند:

« در مورد ثبت ملک غیر چون مادام که ملک در دفتر املاک بنام
تقاضا کننده به ثبت نرسیده و او در مقام تثبیت مالکیت خود میباشد عنوان
تقاضای ثبت بر عملش صادق و عمل در حال استمرار بوده است بنا بر این
مبدأ مرور زمان در چنین جرمی تاریخ ثبت ملک در دفتر املاک بنام متقاضی
ثبت خواهد بود نه از تاریخ انقضاء مدت اعتراض » .

(دادنامه شماره $\frac{۲۳۵}{۲۵/۵/۱۹}$ شعبه ۲ و دادنامه شماره $\frac{۳۲۱۶}{۲۱/۱۰/۳۰}$ شعبه مندرج
در صفحه ۳۱۳ کتاب مزبور) .

۵ - آیا ازدواج دکوری که بسن ۱۸ سال نرسیده اند و معافیت از شرط سن هم
تحصیل نکرده اند جرم است یا خیر ؟

شعبه ۲ میگوید جرم است بدین شرح :

« عموم و اطلاق ماده ۳ قانون ازدواج که میگوید (هر کس برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز بسن قانونی نرسیده است مزاجت کند) باملاحظه ماده نامبرده از قانون مدنی که در آن سن پسر و دختر هر دو معین شده شامل موردی هم که فقط شوهر بسن قانونی نرسیده باشد خواهد بود و تخصیص حکم ماده مزبور تنها بموردی که سن زن بالغ بحد قانونی نباشد محتاج بدلیل است و چنین دلیلی وجود ندارد. »

دادنامه شماره $\frac{۱۹۹۱}{۱۹۰۶-۳۱}$ مندرج در صفحه ۴ مجموعه رویه قضائی - قسمت کیفری شعبه ۵ میگوید جرم نیست:

« نسبت بذکوری که قبل از رسیدن بسن هیجده سال ازدواج مینمایند قانون تصریحی بیزهکاری و قابل تعقیب بودن آنان نکرده است » حکم شماره $\frac{۲۰۳۶}{۱۹/۹/۲۱}$ مندرج در صفحه ۱۵ - همان کتاب

۶ - آیا ابلاغ دعوی و حکم بناظر لازم است یا خیر؟
شعب ۳ و ۸ میگویند لازم نیست بدین شرح :

« مطابق ماده ۱۲۳۵ قانون مدنی نمایندگی مولی علیه در کلیه امور مربوطه باموال و حقوق مالی او باقیم است و نیز بر حسب شق ۲ ماده ۴۸۱ قانون آئین دادرسی مدنی درخواست پژوهشی از قییم پذیرفته است بنابراین ابلاغ حکم بقیم منشاء اثر قانونی است و ابلاغ بناظر و لو استصوابی باشد لازم نخواهد بود » دادنامه شماره $\frac{۲۶۴}{۲۴/۴/۱۹}$ شعبه ۳ و دادنامه شماره $\frac{۱۶۹}{۲۶/۱/۲۵}$ شعبه ۸ مندرج در صفحه ۸ مجموعه رویه قضائی قسمت حقوقی اما شعبه ۴ میگوید لازم است:

« اگر برطبق ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی برای صغیر در ضمن تعیین قییم ناظر معین گردد و حدود اختیارات او هم استصوابی باشد چون تمام اقدامات قییم بایستی با تصویب مشارالیه انجام یابد بنابراین ابلاغ دعوی بناظر استصوابی نیز لازم خواهد بود » (حکم شماره $\frac{۱۰۴۴}{۲۵/۶/۲۴}$ شعبه ۴ مندرج در صفحه ۸ همان کتاب)

۷ - آیا بزه مندرج در ماده ۱۷۵ مکرر قانون مجازات عمومی وقتی مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۳ همان قانون باشد قابل گذشت است یا خیر؟
شعبه ۲ میگوید قابل گذشت نیست بدین شرح :

« جرم موضوع ماده ۱۷۵ مکرر قانون کیفر عمومی جرم جداگانه

است و احاله دادن کیفر بر حسب مورد بمورد ۱۷۲ و ۱۷۳ موجب اجرای احکام خاصه جرایم مزبور در مورد آن ماده نمیشود بنابراین چون جزء ماده ۲۷۷ قانون مزبور نیست گذشت مدعی خصوصی موجب منع تعقیب مرتکب نخواهد شد» (دادنامه شماره $\frac{۲۲۶۸}{۱۸/۱۲/۲۹}$ شعبه ۲ و $\frac{۱۱۸}{۲۳/۲/۱۵}$ همان شعبه مندرج در صفحه ۳۰۴ کتاب مجموعه رویه قضائی - قسمت کیفری) ولی شعبه دیگر میگوید:

« وقتی تطبیق عمل متهم با ماده ۱۷۵ مکرر ناظر بقسمت اخیر ماده مزبور باشد بطوری که عمل مشمول قسمت اخیر ماده ۱۷۳ قانون کیفر واقع گردد لامحاله مشمول ماده ۱۷۳ قانون کیفر خواهد بود و با صرف نظر کردن مدعی خصوصی دیگر قابل تعقیب نمیباشد» حکم شماره $\frac{۲۹۶۱}{۱۳۱۹}$ مندرج در صفحه ۱۹۲ اصول قضائی (جزائی)

درخاتمه مورد دیگری را نیز یادآوری مینماید که اختلاف بین دیوان کشور و دادگاه عالی انتظامی قضات میباشد و شایسته است این مورد نیز بموجب ماده ۳ اضافه شده بقانون آئین دادرسی کیفری مصوب اول مرداد ماه ۱۳۳۷ در هیأت عمومی طرح و رویه واحدی نسبت بان اتخاذ شود آن مورد اینست:

۸- آیا زن شوهردار مادامیکه بسن ۱۸ سال نرسیده است میتواند از بابت مطالبه نفقه و کسوه خود شخصاً شکایت حقوقی یا جزائی بنماید؟

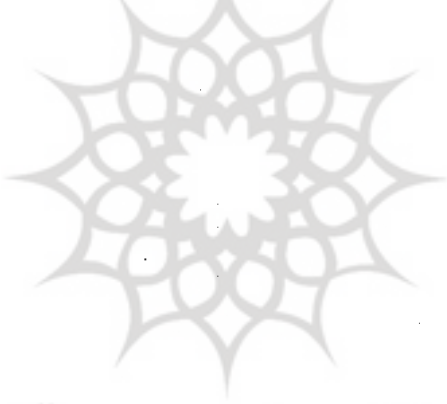
شعبه ۵ دیوان کشور میگوید نمیتواند بدین شرح:

« چون مطابق ماده ۱۴۰۹ قانون مدنی زن مادامی که هیچجده سال تمام نداشته باشد از دخالت در حقوق مالی خود ممنوع است لذا اگر قبل از رسیدن باین سن شوهر کرده باشد حق ندارد شخصاً از بابت نفقه و کسوه خود شکایت حقوقی یا جزائی بنماید» حکم شماره $\frac{۲۰۲}{۱۸/۲/۱۳}$ مندرج در صفحه ۹۷ اصول قضائی (حقوقی)

اما دادگاه عالی انتظامی قضات در حکم شماره $\frac{۳۹۱۵}{۲۵}$ تیر ۱۵ مندرج در صفحه ۴ کتاب موازین قضائی چاپ دوم چنین میگوید:

« اگر چه مقتضای اختیار ازدواج زن قبل از رسیدن ببلوغ قانونی که عبارت از هیچجده سال تمام باشد آنست که زمام کلیه امور مربوطه بازدواج نیز با اختیار او باشد باین معنی که اگر بین او و شوهر نزاع و خصومتی که ناشی از امر ازدواج است رخ داد اعم از حقوقی و جزائی و اعم از اینکه زن مدعی باشد و یا مدعی علیه بهر حال طبیعت اختیار در تسبیب سبب ملازم

با داشتن اختیار در کلیه خواص و آثار ناشیه از آن خواهد بود و این امر از مسامحات غیر قابل تردید میباشد که اذن در شیشی اذن در لوازم آن خواهد بود بنابراین اصل ثابت مسلم میباشد چنانچه دعوائی بین زن و شوهر که منشاء آن عقد نکاحی بود که باختیار خود او صورت گرفته حق دعوی و دفاع از آن نیز با او داده شود و روی همین قاعده میباشد در دعوی تمکین زوج بزوجه قبل از رسیدن بر شد قانونی بسایر دعاوی معطوف شده وزن طرف دعوی شناخته شود. ولی چون قضات تازه کار ایران در عمل درست آزموده نشده و چنانچه شاید و باید از کار در نیامده و در معرض اینند که در تطبیق کلیات با موارد حاجت در اینقسم از اشتباهات که ناشی از عدم ممارست و تجارت عملی است واقع شوند و از طرفی هم منشاء اشتباه او اختیاری نبوده و بنظر خود احتمال خلاف آنرا نمیداده لذا نمیتوان حاکم دادگاه را در مورد رد عرض حال دعوی زوج بر زوجه بخواسته تمکین بعنوان اینکه مدعی علیها کمتر از هیجده سال دارد متخلف است «



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی